



خیلواکی

استقلال

[www.esteqlaal.net](http://www.esteqlaal.net)

نویسندگان: دکتر عزیزی و ساوالان محمدزاده یکشنبه ۰۹ فروری ۲۰۲۵

## وضعیت اوکراین نزد دیوان جزائی بین المللی

تأملی در ابعاد حقوقی دستور جلب صادر شده علیه ولادیمیر پوتین و مشکلات فراروی آن

حمله نظامی روسیه به اوکراین در تاریخ ۲۴ فروری ۲۰۲۲ از ابعاد مختلف حقوق بین الملل قابل بحث و بررسی می باشد که حقوق بین الملل جزائی و وضعیت اوکراین نزد دیوان جزای بین المللی از جمله آن هاست. در این مورد، دو دستور جلبی که اخیراً از سوی این دیوان علیه رئیس جمهور روسیه و رئیس بخش حقوق کودکان دفتر ریاست جمهوری روسیه صادر گردید، با مشکلاتی مواجه است که منجر به طرح مباحث مختلفی میان حقوقدانان داخلی و خارجی شده است. در این مورد، نوشته حاضر پس از شرح اجمالی وضعیت اوکراین نزد دیوان جزائی بین المللی، به بررسی و تدقیق مشکلات فراروی دیوان در ارتباط با قرار جلب های صادر شده خواهد پرداخت.

اوکراین دولت عضو اساسنامه رم نمی باشد، اما با این حال دوبار تاکنون اقدام به صدور اعلامیه پذیرش مورد صلاحیت دیوان جزائی بین المللی بر مبنای ماده (۳) ۱۲ اساسنامه کرده است. در نخستین اعلامیه، اوکراین صلاحیت دیوان را در ارتباط با جنایات ادعایی ارتکاب یافته در سرزمین خود از ۲۱ نوامبر ۲۰۱۳ الی ۲۲ فروری ۲۰۱۴ پذیرفت. اما برخلاف اعلامیه نخست، در دومین اعلامیه موعود زمانی مزبور را گسترش داد و بدون در نظر گرفتن هیچگونه محدودیتی بر آن، صلاحیت دیوان را نسبت به جنایات ارتکابی در سرزمین خود از تاریخ ۲۰ فروری ۲۰۱۴ به بعد پذیرفت. در ۲۸ فروری ۲۰۲۲، ژانوال دیوان اعلام کرد که با توجه به نتایج منتشر شده توسط دفتر دادستانی (ژانوالی) از ارزیابی مقدماتی در مورد وضعیت اوکراین مورخ ۱۱ دسامبر ۲۰۲۰، مبنای معقولی جهت آغاز تحقیقات پیرامون وضعیت مزبور وجود دارد و بر این اساس به دنبال کسب مجوز از شعبه مقدماتی برای شروع تحقیقات است. پیرو ارجاع وضعیت اوکراین به دیوان از سوی گروهی از دولت های عضو اساسنامه رم، دادستان (ژانوال) در ۲ مارچ ۲۰۲۲ آغاز تحقیقات راجع به وضعیت اوکراین در خصوص هرگونه جنایات جنگی، جنایات علیه بشریت

و ژنوسید(قتل عام) که از تاریخ ۲۱ نوامبر ۲۰۱۳ به این سو در قسمتی از قلمرو سرزمین اوکراین توسط هر شخصی ارتکاب یافته را اعلام نمود. در نهایت و در تاریخ ۱۷ مارچ ۲۰۲۳، شعبه دوم مقدماتی دیوان قرار جلب ولادیمیر پوتین رئیس جمهور روسیه و خانم ماریا بلووا رئیس بخش حقوق کودکان دفتر ریاست جمهوری روسیه را صادر کرد. طبق قرار صادره توسط شعبه مقدماتی، پوتین به دلیل جنایت جنگی، اخراج و انتقال غیرقانونی جمعیت (کودکان) از مناطق اشغال شده اوکراین به روسیه (بر اساس ماده هفتم قسمت الف بند ۲ ماده ۸ و شق هشتم قسمت ب بند ۲ ماده ۸ اساسنامه رم) مورد اتهام بوده و مسئول است. مسئولیت کیفری ادعایی پوتین در قبال جنایات پیش گفته بر این مبنا می باشد که: (۱) وی چنین اعمالی را شخصاً، مشترکاً و همراه با دیگران و یا توسط دیگران مرتکب شده است (قسمت الف بند ۳ ماده ۲۵ اساسنامه رم)، و (۲) در اعمال کنترل لازم بر زیردستان نظامی و غیرنظامی که مرتکب اعمال مزبور شده و تحت کنترل موثر او هستند، قصور ورزیده است (قسمت ب ماده ۲۸ اساسنامه رم (مسئولیت فرمانده)). خانم ماریا بلووا نیز به خاطر همان جنایات جنگی پیش گفته مورد اتهام بوده و مسئولیت دارد؛ با این تفاوت که مدل مسئولیت کیفری وی تنها بر مبنای قسمت الف بند ۳ ماده ۲۵ اساسنامه رم می باشد.

با عنایت به وجود صلاحیت موضوعی دیوان نسبت به جنایات جنگی طبق ماده ۵ اساسنامه رم و با توجه به اینکه دولت محل ارتکاب جنایات مزبور (یعنی اوکراین) اقدام به پذیرش موردی صلاحیت دیوان کرده است، این نهاد در اعمال صلاحیت خویش با مانعی روبه رو نمی باشد. بنابراین، هر یک از دول عضو اساسنامه رم در صورتی که خانم بلووا در سرزمین آن ها یافت شود، مکلف به تحویل او به دیوان هستند و دول غیرعضو اساسنامه نیز ممکن است با دیوان در امر تحویل او همکاری نمایند. اما موضوع در خصوص قرار جلب پوتین به این سادگی نخواهد بود و مانعی به نام مصونیت شخصی سران دولت ها تحویل وی به دیوان را حتی توسط دول عضو اساسنامه با مشکل مواجه می نماید. توضیح آنکه هر چند بر اساس ماده ۲۷ اساسنامه رم، موقعیت رسمی شخص متهم قابل استناد نزد دیوان نمی باشد، اما ابهامات زیادی راجع به این مساله وجود دارد که آیا پوتین، بدون تخطی از مقررات حقوق بین الملل عرفی راجع به مصونیت رئیس دولت، توسط دولت ها اعم از عضو و غیر عضو دیوان، می تواند بازداشت گردد یا خیر؟

پیرامون موضوع مصونیت افراد و بند ۲ ماده ۲۷ و بند ۱ ماده ۹۸ اساسنامه رم باید تاکید کرد که دولت های عضو اساسنامه با عضویت خود، بصورت تلویحی از مصونیت سران دولت های خود به منظور اعمال صلاحیت دیوان و همچنین بازداشت و تحویل آن ها توسط دیگر اعضای اساسنامه به

دیوان اعتراض کرده اند و این منافاتی با قواعد حقوق بین الملل عرفی در این زمینه ندارد. همانگونه که دیوان بین المللی دادگستری (جزائی) نیز در رای کنگو علیه بلژیک اعلام کرد، دولت می تواند از تبعه خویش سلب مصونیت کند. اما این امر در خصوص دولت غیر عضو اساسنامه دیوان کاملاً متفاوت است، زیرا آنها از مصونیت تبعه خویش اعراض نکرده اند و در صورت طرح چنین موضوعی، دیوان باید این سلب مصونیت را احراز کند. بنابراین، مطابق ماده ۳۵ [کنوانسیون ۱۹۶۹ حقوق معاهدات](#) اولاً، مقررات معاهده در صورتی برای دولت ثالث ایجاد تعهد می کند که طرف های آن معاهده توافق کنند که از طریق این مقررات، آن تعهد را ایجاد کنند و ثانیاً، آن دولت ثالث نیز بصورت مکتوب آن تعهد را بپذیرد و بند ۱ ماده ۹۸ را باید انعکاس این اصل اساسی حقوق عرفی در اساسنامه دیوان دانست که استقرار تعهد برای دولت ثالث منوط به رضایت اوست. (صفحه ۱۳۲۳) بنابراین، اگر رئیس دولت X به دولت Y سفر کند که از دول عضو اساسنامه می باشد، می بایست میان دو فرض تفاوت قائل به تفکیک شد:

۱. اگر رئیس دولت X تبعه دولت عضو اساسنامه باشد به نظر می رسد که دولت Y می تواند او را به دیوان تحویل دهد؛ زیرا با پیوستن دولت X به اساسنامه، رضایت آن دولت به اعراض از مصونیت رئیس دولت قبلاً کسب شده است و مطابق مقررات حقوق بین الملل عرفی، تحویل رئیس دولت X به معنای نادیده گرفتن مصونیت این مقام در برابر دولت Y نیست.

۲. اگر رئیس دولت X تبعه دولت عضو اساسنامه نباشد، در این صورت دولت Y حق ندارد او را به دیوان تحویل دهد مگر آنکه رضایت آن دولت به اعراض از مصونیت جلب شود.

با این حال شایان توجه است که برخی از دول عضو دیوان در راستای اجرای اساسنامه رم قوانینی را تصویب کرده اند که در آن ادعای مصونیت را بطور کلی (و نه صرفاً در ارتباط با مقامات دولت های عضو اساسنامه رم) رد نموده اند. بورکینافاسو، افریقای جنوبی، نیوزیلند، کنیا و... از جمله این دولت ها می باشند. قوانین اجرایی اساسنامه رم در دولت های بورکینافاسو و افریقای جنوبی مصونیت نمایندگان دولت خارجی را در برابر محاکم داخلی خود رد کرده اند. سران دولت ها و دیگر مقامات دولتی خارجی در مورد ارتکاب جنایات بین المللی مشمول مصونیت های شخصی و شغلی نزد محاکم بورکینافاسو و افریقای جنوبی نمی باشند. با توجه به اینکه هیچ یک از این قوانین دامنه شمول خود در مورد رد مصونیت را صریحاً محدود به مقامات دولت های عضو اساسنامه رم نکرده اند، در نتیجه می توان چنین استنتاج نمود که همانند مقامات دولت های عضو، نسبت به مقامات دولت های غیر عضو اساسنامه نیز قابل اعمال می باشند. در این موارد، دولت های مزبور

خود را مجاز می‌پندارند که به محض درخواست دیوان جزائی بین المللی مبنی بر جلب متهم، از مصونیت وی طبق حقوق بین الملل صرف نظر نمایند. (Pedretti, Ramona, Immunity of Heads of State and State Officials for International Crimes, Published by Brill Nijhoff, ۲۶ Nov ۲۰۱۴, pages ۱۲۰-۱۲۸)

به هر حال و صرف نظر از چنین مواردی، بطور کلی باید اذعان نمود که از آنجایی که پوتین رئیس فعلی دولتی است که عضو اساسنامه رم نیست، لذا به نظر می‌رسد که دیگر دول از جمله دول عضو و غیرعضو اساسنامه، حق تحویل او به دیوان را نداشته و مکلف هستند تا مصونیت او را مطابق مقررات حقوق بین الملل عرفی رعایت کنند. خود دیوان نیز در دوسیه‌ی عمر البشیر به این موضوع صحه گذاشته است. در دوسیه‌ی مزبور دیوان پذیرفت که علی‌الاصول دولت‌ها موظف به رعایت مصونیت سران دول غیرعضو به موجب بند ۱ ماده ۹۸ اساسنامه هستند، مگر آنکه قبلاً همکاری آن دولت ثالث را به منظور رفع مصونیت جلب کرده باشند. به اعتقاد دیوان، در خصوص این دوسیه شورای امنیت طبق فصل هفتم منشور، مصونیت رئیس جمهور سودان را سلب کرده است و به این ترتیب شرط مندرج در قسمت اخیر بند ۱ ماده ۹۸ اساسنامه محقق شده است. (صفحه ۹۶-۹۵) در هر حال، قضیه‌ی عمر البشیر با موضوع پوتین یکسان نیست؛ زیرا رسیدگی به جنایات ارتكابی در اوکراین از سوی شورای امنیت ارجاع نشده است و لذا نمی‌توان شرط مندرج در قسمت اخیر بند ۱ ماده ۹۸ را تحقق یافته دانست. (لازم به ذکر است که به اعتقاد برخی، دیوان حتی در صورت ارجاع شورای امنیت نیز نمی‌تواند به جنایات روسای دولت‌های غیر عضو رسیدگی نماید؛ مگر آنکه مفاد بند ۱ ماده ۹۸ را رعایت کرده باشد.)

البته در این میان باید بین مصونیت شخصی و مصونیت شغلی قائل به تفکیک شد. این مصونیت شخصی است که الغای آن نیاز به احراز رضایت دولت‌ها دارد که با عضویت آنها در اساسنامه رم چنین رضایتی احراز می‌گردد و در نتیجه به هر دولت عضو دیگری که از طرف دیوان عمل می‌کند نیز اجازه می‌دهد تا مصونیت شخصی مقامات دول مزبور را نادیده گرفته و آنان را بازداشت و به دیوان تسلیم نماید. اما در ارتباط با مصونیت شغلی وضع متفاوت است. آن هنگام که مقامات دولتی خارجی (مقامات عالی رتبه سابق) متهم به ارتكاب جنایات بین المللی هستند، حقوق بین الملل عرفی معاصر، این نوع از مصونیت را رد می‌کند. در پرتو بند ۱ ماده ۹۸ اساسنامه، این بدین معناست که دیوان (در صورت داشتن صلاحیت) می‌تواند به درخواست بازداشت و تسلیم سران سابق دولت‌ها قطع نظر از اینکه آیا دولت مزبور از اعضای اساسنامه رم است یا خیر، اقدام نماید؛

زیرا چنین درخواستی موجب نخواهد شد تا دولت درخواست شونده تعهدات بین المللی خویش را نادیده بگیرد. در چنین مواردی، اعراض از مصونیت دول عضو اساسنامه رم در معنای قسمت آخر بند ۱ ماده ۹۸ نیاز نیست؛ چراکه در مورد ارتکاب جنایات بین المللی هیچگونه مصونیت شغلی وجود ندارد تا بتوان از آن اعراض نمود. بنابراین، دیوان همواره می تواند به درخواست توقیف و تسلیم مقامات عالی رتبه سابق دول عضو یا غیر عضو اساسنامه که متهم به ارتکاب چنین جنایاتی هستند، اقدام نماید. (Pedretti, Ramona, Ibid, pages ۲۷۸-۲۷۹) در نتیجه، با پایان تصدی سمت ریاست جمهوری پوتین، مانع موجود در راه بازداشت و تسلیم وی به دیوان توسط دولت های دیگر رفع خواهد شد. در واقع، با اینکه مصونیت شخصی، حمایت موثری از مقامات رده بالای دولتی در صورت ارتکاب جرایم بین المللی نزد محاکم ملی سایر کشورها اعطا می کند، اما رویه های موجود حاکی از وجود قاعده انکار مصونیت شغلی مقامات دولتی در صورت ارتکاب جرایم بین المللی در محاکم ملی است. بنابراین، به محض اینکه مقامات مزبور سمت خود را از دست دادند، این حمایت ناشی از مصونیت شخصی از بین رفته و آنان برای جرایم ارتكابی باید پاسخگو باشند. (صفحه ۵۳)

در مقام جمع بندی باید چنین بیان داشت که با توجه به عدم عضویت دولت روسیه در اساسنامه رم و نیز بهره مندی ولادیمیر پوتین از مصونیت شخصی به لحاظ سمت فعلی خود، دولت های عضو اساسنامه در صورتی که پوتین در سرزمین آنها یافت شود، قادر به بازداشت و تسلیم وی به دیوان کیفری بین المللی در راستای اجرای قرار جلب صادره از سوی دیوان نخواهند بود. چنین اقدامی را تنها در دو حالت می توان متصور شد: یا دولت روسیه به سلب مصونیت از پوتین رضایت دهد و یا اینکه دوران تصدی سمت ریاست جمهوری وی پایان پذیرد و به سبب عدم برخورداری از مصونیت شخصی، دولت های دیگر بتوانند او را تسلیم دیوان نمایند. از آنجایی که تحقق یافتن مورد اول بسیار دور از ذهن است، به نظر می رسد که می بایست به انتظار پایان دوره ریاست جمهوری پوتین نشست که این امر ممکن است به ثمر رسیدن پرونده (دوسیه) را سال ها به تعویق اندازد.

با این حال و صرف نظر از تمامی موانع و چالشهای (مشکلات) پیش روی دیوان کیفری بین المللی در این پرونده (دوسیه)، اقدام دیوان در صدور قرار جلب علیه پوتین علاوه بر آنکه نام وی را هم ردیف جنایتکاران تاریخ بشریت قرار می دهد، نوید بخش برای قربانیان جنایات بین المللی بوده و نشانگر آن است که عدالت کیفری بین المللی حتی نسبت به ارتکاب جنایات توسط رئیس جمهور یکی از اعضای دائمی شورای امنیت سازمان ملل متحد نیز بی تفاوت نمی باشد.